

اسطوره جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسان

محمودرضا اکرامی فر^۱

چکیده

پژوهش در فرهنگ عامه یا تحقیق در فولکلور، حرکت برای شناخت باورها، اعتقادات، آئین‌ها و اسطوره‌های گذشتگان است و می‌تواند در خودشناسی، خودباوری و درنهایت هویت‌یابی نسل امروز مؤثر باشد.

بخش عمده‌ای از فرهنگ جامعه در ادبیات شفاهی متبلور است و از این رو، این گونه ادبیات با نوع معیشت، سطح آرزوها، اقتصاد و اعتقاد مردم همخوانی شگرفی دارد. ادبیات شفاهی پدیده‌آوندگانی گمنام، ولی ناقلانی آشنا دارد و از نظر محتوایی در برگزیده آرزوها و انتظارات بر یاد رفته یا دور از دسترس، اسطوره‌ها، اعتقادات و باورهای فردی و جمعی مردم گذشته است که برخی از این اسطوره‌ها، باورها و اعتقادات به مخلوقات ماورایی از قبیل جن و پری مربوط می‌شود.

وقتی بشر دیروز نتوانست برای دیده‌ها و شنیده‌هایش از پدیده‌های پیرامونش، پاسخی منطقی و متناسب با دانایی و تجربه و انتظاراتش پیدا کند، به تحیر فرو رفت، به خیال‌پردازی و افسانه‌سازی روی آورد و با خلق مخلوقاتی ماورایی و اسطوره‌ای و نسبت‌دادن بسیاری از امور به آن‌ها، به پرسش‌های واقعی خود پاسخی خیالی داد و از نظر روانی خود را قانع کرد.

ادبیات شفاهی مردم خراسان که تجلی‌گاه این امور است، گاهی به نثر و در قالب قصه و افسانه، نقل روایت، چیستان، ضرب‌المثل و گاهی به نظم و موزون بوده و در قالب مثنوی، قطعه، غزل، دوبیتی، رباعی، مفردات و ... بیان شده است. نگارنده تلاش دارد در این جستار کوتاه به بررسی جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم (لالایی، دوبیتی، رباعی و...) خراسان بپردازد. به بیان دیگر در این مقاله پژوهشی در پی آن هستیم که دریابیم اسطوره جن و پری در کلام بخش از ادبیات شفاهی منظوم خراسان بیشتر بروز و ظهور دارند و بروز و ظهور این مخلوقات در قالب‌های متعدد چگونه است؟ تحقیق و بررسی، مطالعه و پژوهش در فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی، حرکتی است به منظور شناخت نیاکان و بهره‌گیری از ذهن و زبان آن‌ها برای زندگی بهتر.

برای گردآوری داده‌های این مقاله ۲۰۰۷ دوبیتی، ۶۷۵ رباعی، ۹۵۴ لالایی، ۱۸۶ چیستان و حدود ۳۰۰۰۰ ضرب‌المثل منظوم بررسی شد که در نهایت باید گفت: این مخلوقات که برای پاسخ به نیاز انسان‌ها خلق شده‌اند، در سایر فرهنگ‌ها مشابه‌هایی دارند و برخی از آنها با اعتقادات مردم گره خورده و بعضی مواقع آفرینشی مردانه‌خواه دارند.

واژه‌های کلیدی

اسطوره، جن، پری، مخلوقات ماورایی، ادبیات شفاهی منظوم (لالایی، دوبیتی، رباعی و...).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۲۵

Email: m.r.ekramifar@gmail.com

۱. دکترای فرهنگ عامه

❖ ادبیات شفاهی منظوم خراسان

تحقیق و بررسی باورها و اعتقادات و اسطوره‌های مردم یک سرزمین یا یک قوم، نوعی کالبدشکافی دغدغه‌ها، اندیشه، خیال و خوب و بدهای آنها به حساب می‌آید، چراکه این گونه پژوهش‌ها موجب جداسازی عناصر فرهنگی سره از ناسره، آسیب‌شناسی و شفاف‌سازی فرهنگ عمومی و باورهای آن مردم شده و از توجیه، بسط و گسترش خرافات و موهومات جلوگیری خواهد کرد.

فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی هر قوم، پشتوانه‌ای معنوی، عظیم و غیرقابل انکار است که مردم امروز را از سرگذشت و سرنوشت پیشینیانشان آگاه می‌کند. از این رو، برخی بر این عقیده‌اند که اگر مردم امروز در مقایسه با دیروزیان اندیشه‌ای بلند و والاتر دارند، به این دلیل است که بر شانه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و تجربی انسان‌های قبل از خود ایستاده‌اند، بنابراین از چشم‌انداز بیشتری برخوردارند و بهتر و بیشتر می‌توانند بینند.

از این رو، تحقیق و بررسی، مطالعه و پژوهش در فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی، حرکت به‌منظور شناخت نیاکان و بهره‌گیری از ذهن و زبان آنها برای زندگی بهتر است.

نتایج این پژوهش‌ها می‌تواند در هویت‌یابی و خودباوری و شناخت نسل امروز مفید و مؤثر باشد، زیرا ملّتی که از ارزش‌ها، هنجارها، تابوها، تقدّس‌ها، سازمان‌های معیشتی و ارتباطی، باورها، اعتقادات و درنهایت فرهنگ گذشتگان خود بی‌بهره باشد، ملّتی بدون هویت و فاقد پشتوانه فرهنگی و درنهایت، سرگردان است. این ملّت آماده پذیرش هر نوع عنصر فرهنگی نامطلوب و منحرف‌شدن از هنجارها، ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی خود است.

به عبارت دیگر، اگر قومی نداند از کجا آمده و در این حرکت و آمدن، چه فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است، هرگز نمی‌تواند بداند به کجا می‌رود، و حتی اگر بداند، نمی‌تواند با کم‌ترین هزینه ممکن به سر منزل مقصود برسد. برای شناخت اسطوره‌های فرهنگ عامه و به‌ویژه ادبیات شفاهی، باورها و اعتقادات عامیانه مردم که از عرف و شرع و قانون سرچشمه می‌گیرد. برای بهره‌گیری از آنها یا جهت‌دهی و اصلاحشان، باید به سراغ تجلّی‌گاه‌های آنها رفت و عناصر فرهنگی را در آنها دید و با تحقیق و بررسی و تحلیل و تبیین آنها، ضمن آسیب‌شناسی با نکته‌ها و کارکردهایشان نیز آشنا شد و در صورت مثبت بودن و ضرورت، آنها را اشاعه داد.

یکی از تجلّی‌گاه‌های باورها و اعتقادات عامه مردم، ادبیات، به‌ویژه ادبیات شفاهی یا ادبیات عامه است. ادبیات آینه تمام‌نمای نگرش‌ها، باورها اسطوره‌ها و اعتقادات مردم است، چراکه

ادبیات تنها در سوز و ناله نی مولوی، چکاچک شمشیر دلبران شاهنامه فردوسی و عرفان پر خط و خال عطار یا قصیده‌های غرای حجت خراسان، ناصر خسرو قبادیانی، خلاصه نمی‌شود. این گونه ادبیات، که به ادبیات خواص مشهور است معمولاً تجلی‌گاه شادخواری امیران، جنگاوری دلبران، تزویر وزیران و مدح و ثنای شاعران در طول تاریخ بوده است.

در ادبیات خواص، که درست مثل خود خواص پوشیده و فاخرپوش است و در «آستین مرقع، پیاله پنهان» می‌کند و با صنایع ادبی سرپوش روی جنایات و حکایات می‌گذارد، سرشار از تشبیه و استعاره و کنایه و ابهام و ابهام است، جایگاه عامه به درستی تعریف نشده است، چرا که عامه مردم در این نوع خاص از ادبیات، جمعی مالیات‌پرداز هستند که آذوقه و سرباز جنگ را فراهم می‌کنند و در بسیاری از نبردها سپر انسانی تشکیل می‌دهند. سرزمین‌ها را با خون خود فتح می‌کنند و باعث ماندگاری نام و یاد امیران یا وزیران می‌شوند.

در داد و ستد ادبیات خواص و عوام، ادبیات خواص همیشه وامدار و مدیون ادبیات عوام بوده و هست و برای استنادات، استدالات و استنتاج‌های خود از عناصر این ادبیات بهره برده است. بنابراین برای شناخت نگرش‌ها، باورها و رفتار عامه مردم و دستیابی به ساخت و ساختار زندگی آنها باید به سراغ آن بخش از ادبیات رفت که خودشان خلق کرده‌اند و اشاعه یافته است و به ادبیات عامه یا ادبیات شفاهی مشهور است و در سینه عالمان فرهنگ عامه جای دارد و بر زبان ناقلان خوش‌صحت و راویان خوش‌بزم جاری و ساری می‌شود. البته، بیشتر آنها گردآوری و تدوین نشده‌اند.

ادبیات شفاهی از نظر قالب بیان محتوا، به دو بخش منثور و منظوم تقسیم می‌شود. ادبیات شفاهی منظوم که شاعران و خالقانش نامعلوم و گمنام هستند، گاه در برگیرنده آرزوها و امیدهای بر باد رفته یا به تحقق ناپیوسته، ترس‌ها، نگرش‌ها، افسوس‌ها و دعاها و باورهای مردمی است که اندوه و شادی خود را موزون و محزون کرده و با دوتار و نی همراه می‌کنند و گاه درد دل مادری جگرسوخته است که فقط می‌تواند در گوش کودک زبان نفهم و عیب پوشش زمزمه کند و تخلیه شود ...

ادبیات شفاهی با نوع و سازمان معیشت، سطح آرزوها، نوع زندگی و خواسته‌های عامه مردم همخوانی و همسویی شگفت‌انگیزی دارد. از این رو، می‌توان گفت با توجه به مکتب «ساختارگرایی» توانسته است با سایر عناصر فرهنگی مردم هم‌خوانی، هم‌سازی و گره‌خوردگی ایجاد کند و باعث انسجام اجتماعی و تراکم فرهنگی بیشتری شود و مانایی و ماندگاری شگفتی در پی داشته باشد.

به‌هرحال، پژوهش در ادبیات شفاهی، به‌ویژه ادبیات شفاهی منظوم به دلیل ظرفیت‌های ذاتی شعر و میزان اثرگذاری‌اش، محتوا و نحوه اشاعه آن و ویژگی‌های پدیدآورندگان، می‌تواند ما را دقیق‌تر با اندیشه و خیال و اعتقادات، عرف و عادات بیشتر قریب به اتفاق مردم، که از دربار دور بوده و «عامه مردم» نامیده می‌شوند، آشنا کند.

بخشی از باورها و اعتقادات عامه مردم که در ادبیات شفاهی، به‌ویژه ادبیات شفاهی منظوم به روشنی و با شفافیتی خاص آمده است، به مخلوقات ماورایی، از جمله جن و پری^۱، مربوط می‌شود.

پیشینه نظری

علاوه بر خراسان و ایران، مردم دیگر نقاط ایران نیز داستان‌هایی درباره جن و پری دارند. از جمله در سیستان و بلوچستان، در روستای «تیس»^۲ که در شمال غربی چاه‌بهار واقع شده است، جایی بسیار ترسناک وجود دارد که بلوچ‌های منطقه به آن «جن سنا» یا قبرستان جن‌ها می‌گویند. یا در ابتدای روستای «سربرج» طریقه، در نزدیکی مشهد، درخت‌زاری است که گفته می‌شود شب‌ها صدای جن از آن شنیده می‌شود و بین برخی از اهالی به «جنگل جن» شهرت دارد.

در جنوب سمنان و شرق دریاچه نمک، در شمال چوپانان و انارک و درست در غرب جندق منطقه‌ای کویری با تپه‌های ماسه‌ای وجود دارد که به مثلث برمودای ایران یا «ریگ‌جن» مشهور است. مردم منطقه باور دارند که اگر کسی پایش به «ریگ‌جن» برسد، بلافاصله ناپدید و ارواح، جن و پری او را به قلب ریگ جن می‌فرستند.

در شهرستان ماه‌نشان که در ۱۱۳ کیلومتری زنجان واقع شده، افسانه‌های جن و پری در ارتباط با کوه و دریاچه وجود دارد. در ۲۰ کیلومتری آن دژی قدیمی قرار دارد که به «دودکش جن» مشهور است و آن نوعی سنگ قارچی شکل است که بر اثر فرسایش کوه به‌وجود آمده است. ضمن اینکه در این شهرستان، در دهستان «اوریاد» دریاچه‌ای هم وجود دارد که به دریاچه پری شهرت دارد.

مردم شهرستان «هفتگل» بر این باورند که جن‌ها شب‌هنگام در «بنگله»‌ها رفت‌وآمد می‌کنند و با «رقص» و ساز و آواز در پی گمراه کردن مردم هستند.

۱. در خراسان به جن و پری «از ما بهتران» می‌گویند.

در فولکلور مردم حاشیه خلیج فارس از جمله بوشهر، این باورها قدری متفاوت‌تر است؛ چراکه اگر در مناطق کویری زیست‌گاه پری یا جن چشمه و قنات است؛ در این مناطق سرنوشت آنها با دریا گره خورده است.

مردم بوشهر به پریان دریایی «آبی‌ها» و به پری‌های بیابانی «اهل اونا» یا «اوناشون» می‌گویند (روانی‌پور، ۱۳: ۱۳۶۹). در باور این مردم پری در دو قالب کلی ظاهر می‌شود: یکی در ارتباط با دریا و دیگری در ارتباط با بیابان. در باور مردم بوشهر پری گاه به تور ماهی‌گیران می‌افتد و گاه خود را به شکل انسان درمی‌آورد و دور و بر کپرهای ساحل‌نشینان می‌چرخد و به محض دیدن انسان به دریا برمی‌گردند (همان: ۲۰).

بین بابلی‌ها و یونانیان یا حتی در خود ایران باستان افسانه‌های متعدد درباره جن و پری وجود مؤثری داشته است. به گونه‌ای که «پریان در قصه‌های اقوام گوناگون کارکردهای زیادی از جمله کام‌دهی و کمک‌رسانی و ... دارند. در افسانه‌های یونانی از فرجام نافرخته بسیاری از مردان و پهلوانان که دلباخته پری‌ها شده بودند سخن رفته است. از جمله اینکه هایلاس^۱ فریفته یک پری به نام دیروپ^۲ شده و به اغوای او در مغاک زمین گم شد یا بورموس^۳ که پریان او را فریفته و به قعر چاه کشانده شد» (سرکاراتی، ۱۳۵۰: ۲۷).

در اساطیر بابلی آمده است که «ایشتر (پری) مردان ویلانی را که با او مهرورزی کرده بودند به صورت خرس و بوزینه و دیگر ددان درمی‌آورد و به همین دلیل گیل‌گمش عشق او را نپذیرفت یا داستان سرگشتگی پادشاهان و پارسایانی که عاشق پریان هند^۴ شده و در ارتباط با پری دچار جنون عشقی گشته بودند در اساطیر هند بازگو شده است» (همان: ۲۸).

مطابق روایات کهن جمشید و ضحاک و سلیمان دیوان و پریان و پرنده‌گان را زیر فرمان داشتند، ضمن اینکه «در قصه‌های عامیانه سرگذشت اغلب قهرمانان داستان با دختر شاه‌پریان ارتباط پیدا می‌کند و سرانجام با عبور از موانع و کشتن اژدها، پری محبوب خود را به دست می‌آورند» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۱۴۰).

جن هم مثل پری بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف نمود و نماد بارزی دارد. برای مثال

1. Hylas
2. Dyrope
3. Bormus
4. Apsaras

سال شانزدهم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۴

جن بین مردم روسیه از حد افسانه و داستان گذشته و به اسطوره و جایگاه نیمه‌خدایی و خدایی نزدیک شده است و گاه در باور این مردم جن‌ها صاحب (خدای) جنگل و آب و کوه هستند. مردم روسیه به ۵ نوع جن اعتقاد دارند. یکی از آنها «لش» نام دارد که به روح جنگل معروف است. یکی دیگر از جن‌های معروف روسیه «وادنای» یا جن آبی است. این جن به روح ظلم شهرت دارد و برخی معتقدند که وادنای فرزند شیطان است. سومین جن مشهور در روسیه جن آبی یا «روسلاکا» است. از نظر این مردم روسلاکا سلطان آب‌هاست و «شبیبه زنی است که از کمر به پایین به شکل ماهی است و هیچ‌گاه پیر نمی‌شود. عده‌ای از این مردم باور دارند که این نوع جن از روح انسان‌هایی که توسط وادنا غرق شده‌اند، خلق شده است.»

چهارمین جن این مردم «دموای» است. «مردم این جن را دوست و محافظ خود می‌دانند، چراکه می‌تواند خود را به شکل انسان درآورد و از آینده خبر دهد. اما آخرین جن این مردم «چپارت» است که جن شرّ است و برای دور کردن آن به خدا متوسل می‌شوند» (همان: ۷۲).

در حکایات و افسانه‌های مردم آلمان نیز از جنی به نام جن آبی یاد شده که شباهت رفتاری زیادی به چپارت و وادنای روسی دارد (لیونی پیکارد، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

اما مردم اسلاونی «پری را به شکل زنی زیبا می‌بینند، در اسطوره‌های قدیمی هند اژدهایان در قالب جن و پری‌هایی تصویر شده‌اند که در آسمان و زمین و در چشمه‌ساران یا دریاها زندگی می‌کنند. این موجودات در اسطوره‌های مردم یونان نیم‌فه^۱ و در اسطوره‌های اسلاونی روسلاکا^۲ نامیده می‌شوند» (رحمانی، ۱۳۸۰: ۵۹).

چارچوب نظری

جن و پری علاوه بر خراسان و ایران در فرهنگ جاهای دیگر نیز وجود داشته و در افسانه‌ها و اسطوره‌های بخش عمده‌ای از مردم جهان حضوری بارز دارند. از این رو، می‌توان گفت جن و پری به منزله یک «واقعیت فرهنگی» یا «امر فرهنگی» که دارای کارکردهای مثبت و منفی هستند جایگاه ویژه‌ای در فولکلور مردم به‌ویژه خراسانیان دارد که بررسی چگونگی و دلایل بروز و ظهور آنها در باور این مردم و نسبت آنها با سایر عناصر فرهنگی خراسان اهمیت ویژه‌ای دارد.

1. Nim Fa
2. Rusalka

چون نویسنده خود «تجربه زیست» بین مردم را دارد و بارها باورها رفتار مردم را دربارهٔ این موجودات دیده و شنیده است، می‌توان به این تجربه زیست وی، شناخت این موجودات و داده‌های گردآوری شده را نیز به وی نسبت داد.

برخی روی «تحلیل اقتصادی» این موجودات تأکید دارند و آن‌را با معیشت کشاورزی و دامپروری همخوان می‌دانند. برخی دیگر «تحلیل اسطوره‌ای» و تاریخی ارائه می‌کنند و با توجه به کتاب‌های متعدد، از جمله شاهنامه، بین این موجودات، تاریخ و اسطوره پیوند می‌زنند.

عده‌ای با «رویکردی فمینیستی» به جن و پری توجه می‌کنند و فرهنگ عامه را شکلی از دیدگاه پدرسالارانه می‌دانند که به نفع مردان و علیه زنان است و آن‌را «فنا‌ی نمادین زنان» می‌دانند، چراکه در این فرهنگ پری و آل و سایر موجودات مؤنث طوری خلق شده‌اند که بهترین شرایط را برای کام‌دهی به مردان داشته باشند.

«مارگارت مید» می‌گوید: «در طول تاریخ چیزهای بسیاری انسان را به حیرت واداشته است و انسان کوشیده تا برای توجیه آنها پاسخ‌هایی قانع‌کننده پیدا کند. حیرت، پدیده بسیار مهمی است، زیرا اگر هیچ‌گاه به حیرت فرو نرویم، هرگز نیازی به پرسیدن و آفرینش پیدا نمی‌کنیم» (مید، ۱۳۸۲: ۵۶).

از این رو، می‌توان گفت: ترس، حیرت، نیاز و جهل انسان چهار عامل اساسی خلق این‌گونه مخلوقات است. چون این عوامل بین همه انسان‌ها مشترک است، با توجه به وحدت روحی انسان‌ها، برخی با تکیه بر «مکتب تکامل» دلیل پیدایی و آفرینش این مخلوقات، از جمله جن و پری را توجیه می‌کنند. با توجه به دلایلی مثل ماندگاری این مخلوقات در فرهنگ مردم مختلف و همزیستی آنها با سایر عناصر فرهنگی، بهتر است از مکاتب دیگری مثل اشاعه و کارکردگرایی نیز در این زمینه کمک گرفت.

در مکتب اشاعه، اعم از اشاعه امریکا یا انگلیس یا آلمان، باید جایی برای «مرکز اشاعه» وجود داشته باشد و سپس با توجه به اموری مثل مهاجرت، تجارت، سلطه سیاسی و... تبیین کرد که این باورها از آنجا به جاهای دیگر رفته‌اند، اما از آنجا که نمی‌توان با قاطعیت جایی را برای مرکز اشاعه مطرح کرد و نمی‌توان مصداقی از حرکت‌های تاریخی این مخلوقات یا باورهای مرتبط با آنها از جایی به جای دیگر پیدا کرد در عمل پای این مکتب در ارتباط با این مخلوقات می‌لنگد.

اما چون براساس مکتب تکامل انسان‌ها ذات و طبیعت مشترکی دارند و در طول تکامل خود

به طور تقریبی شرایط یکسانی را در برهه‌های مختلف تاریخ پشت سر گذاشته‌اند و همه جوامع از مراحل تقریباً یکسانی، البته نه در زمانی واحد، عبور کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت: دانسته‌ها و ندانسته‌ها و باورهای تقریباً مشابهی در زمان‌های مختلف داشته‌اند. از این رو، می‌توان گفت اشتراکات انسان‌ها در ترس، حیرت، جهل و ناتوانی در برابر طبیعت پیرامون، نشانگر وحدت روحی و روانی و تشابهات مراحل زندگی آنها در تاریخ بوده است. از این رو، آنچه خلق کرده‌اند نیز تقریباً شبیه هم است و اگر اندک تفاوتی در شکل، محیط‌زیست و رفتار آنها دیده می‌شود، از محل زیست و مراحل مختلف مسیر تکاملی این جدایی نشئت می‌گیرد. بنابراین بسیاری از مردم‌شناسان بر این باورند که خلق این باورها و موجودات وهمی براساس مکتب تکامل بوده ولی مکتب اشاعه، حداقل در سطح میانه، در گسترش آنها مؤثر بوده است.

برای دلایل دوام و بقای این مخلوقات در طول تاریخ و پهنه جغرافیا باید دست به دامان مکتب کارکردگرایی شد، چراکه براساس این مکتب هر مخلوق یا عنصر اجتماعی یا فرهنگی، هر عمل اجتماعی یا نهاد با توجه به رابطه‌ای که با تمام کالبد اجتماعی یا فرهنگی برقرار می‌کند، امکان‌پذیر خواهد بود. به همین دلیل مجموعه‌نگری و فایده‌نگری در این مکتب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حیات طولانی و گسترده این مخلوقات حکایت از فایده اجتماعی، روانی، عاطفی و فرهنگی این مخلوقات برای انسان و جوامع دارد، از این رو در این مقاله بیشتر روی کارکرد آنها توجه شده است. با توجه به سه مکتب فوق این مخلوقات اسطوره‌ای تبیین شده‌اند.

ضمن اینکه برخی جن و پری را جزو شخصیت‌های اسطوره‌ای فرهنگ عامه می‌دانند که در چارچوب ادبیات شفاهی بروز پیدا کرده است، زیرا به اعتقاد این افراد اسطوره سرگذشت انسان‌های مقدس، خدایان، نیمه‌خدایان و فرآینسان‌هایی است که دارای فره ایزدی هستند و جن و پری از این گونه‌اند و از این رو مقدس هستند. هرچند بعضی می‌گویند جن و پری در برخی قصه‌های عامیانه به اسطوره نزدیک می‌شوند ولی در ادبیات منظوم شفاهی چون کاربرد نمادین دارند، از اسطوره فاصله می‌گیرند؛ اما این دیدگاه طرفداران اندکی دارد.

به‌هرحال می‌توان گفت: باورهای مربوط به جن و پری همزاد انسان است و به راستی کسی نمی‌تواند بداند که نخستین بار کی، کجا، چه کسی سرود «یکی بود، یکی نبود، زیر گنبد کبود، سه پری نشسته بود، زار و زار گریه می‌کردن پریا، مثل ابرای بهار گریه می‌کردن پریا و...»

گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های میدانی این مقاله از روش مشاهده مشارکتی و مصاحبه استفاده شده است. نویسنده خود عضوی از جامعه خراسان بوده است و «تجربه زیست» ۵۰ساله بین این مردم را دارد. او با شرکت در آئین‌ها و مراسم مرتبط با جن و پری، حضور بین این مردم (اسفراین، نیشابور، سبزوار، بجنورد، مشهد) بسیاری از این باورها را به‌طور مستقیم از زبان مردم شنیده است و ترس و حیرت مردم را از این موجودات در چهره و رفتار و اعمال آنها دیده است (مشاهده از دید ناظر) و بارها خود در این ترس و حیرت شریک بوده و برای دفع آن دست به دامان دعا و ... شده است (مشاهده از دید عامل). از این‌رو، بسیاری از داده‌های این مقاله حاصل «تجربه زیست» نگارنده در سراسر خراسان بوده و حاصل مشاهده مشارکتی وی است.

علاوه بر این مصاحبه عمیق، باز، خودمانی و بدون سوگیری نگارنده با هشت نفر از معتمدین و خبرگان محلی در حوزه فولکلور و جمع‌آوری بخشی از داده‌های مقاله به‌طور مستقیم از زبان خبرگان محلی، در چند مورد نیز داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه تلفنی با خبرگان و کارشناسان این حوزه از کاشمر، فردوس، طبس، تربت جام، قوچان، شیروان و سرخس گردآوری شده است. در بخش کتابخانه‌ای نیز از روش فیش‌برداری و یادداشت‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. از این‌رو، می‌توان گفت داده‌های این مقاله در مواردی نتیجه مشاهده از دید عامل یا ناظر و در موارد دیگر حاصل مصاحبه حضوری یا تلفنی یا خبرگان محلی در حوزه فولکلور یا نتیجه مطالعات کتابخانه‌ای نویسنده بوده است.

اسطوره

محمود روح‌الامینی بر این باور است که «به داستان‌هایی که با پوشش سمبل‌ها و تمثیل‌ها و استعاره‌ها بعد از هزاران سال به ما رسیده، بدون اینکه زمان رویداد و یا داستان‌پرداز مشخص باشد، اسطوره می‌گویند» (روح‌الامینی، ۱۳۷۴: ۷۱). چون اسطوره‌ها بیانگر لوازم و وسایل مورد احتیاج اجرای مناسک و آئین‌ها و جزئیات آنها هستند. می‌توان گفت مظهر اعتقادات انسانند، به همین دلیل بیشتر اسطوره‌ها مقدس هستند. عناصر اصلی اسطوره‌ها همیشه انسان نیستند و گاه می‌توانند موجودات وهمی، از جمله جن و پری باشند که با انسان در ارتباط هستند.

چارلز وینیک نقش‌های عمده اسطوره را برعهده نیروهای طبیعت یا عوامل مرموز ماورایی، مانند ارواح، رب‌النوع‌ها و الهه‌ها می‌داند. لوی اشتراوس معتقد است «اسطوره در مجموع یک زبان است که واقعیت‌های جهانی را در تمثیل‌ها و سمبل‌ها بیان می‌کند» (همان: ۷۱). میرچا الیاده، مردم‌شناس و اسطوره‌شناس رومانیایی می‌گوید: «اسطوره واقعیتی فرهنگی و بسیار پیچیده است» (همان: ۶۲) و مالدینوفسکی «اسطوره را برآورنده نیاز دینی مردم می‌داند که با گرایش اخلاقی و الزامات و احکام اجتماعی و حتی مطالبات عملی مطابقت دارد و جواب‌گوی آنهاست. ضمن این‌که وی اسطوره را بخشی از فرهنگ و تمدن انسانی به حساب می‌آورد» (همان: ۷۳).

با توجه به تعاریف ارائه شده از اسطوره، جن و پری، در بسیاری از داستان‌ها و افسانه‌ها، در زمره اسطوره‌ها قرار می‌گیرند و چون قالب داستان و افسانه شرایط و فرصت بهتری را برای شخصیت‌پردازی، جدال، گره‌فکنی، و ... در اختیار آفرینندگانشان قرار می‌دهد، حالت اسطوره‌ای این مخلوقات ماورایی در این قالب‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند.

اما چون قالب‌های ادبیات شفاهی منظوم از قبیل دوبیتی، رباعی، ضرب‌المثل منظوم، لالایی و... از نظر ساختار کوچک بوده و تعداد ابیات آنها اندک و در بسیاری از موارد تنها دو بیت است، به خالقانشان امکان داستان‌گویی و شخصیت‌پردازی نمی‌دهند. ضمن اینکه خالقان ادبیات شفاهی منظوم هم مردم عادی هستند و توان سرایش شعر در قالب‌هایی مثل مثنوی را که برای داستان‌پردازی منظوم مناسب است، نداشته و ندارند. از این‌رو، خالقان ادبیات شفاهی منظومه مصداق «قَلَّ وَ دَلَّ» حرف می‌زدند و پیام را با توجه به داشته‌ها و دانسته‌های مخاطبان از این دو موجود ماورایی، منتقل می‌کردند، بنابراین حالت اسطوره‌ای این مخلوقات در ادبیات شفاهی منظوم، بر خلاف ادبیات شفاهی مثنوی، کمتر مشهود است.

به عبارت دیگر مردم برای بیان مفاهیم مرتبط با جن و پری و حالت اسطوره‌ای این دو موجود در ادبیات شفاهی منظوم از «شبهه‌آشنایی»، که شیوه‌شناخته شده‌ای در انتقال معناست و بر داشته‌ها و دانسته‌های مخاطب استوار است، استفاده کرده و مفاهیم مربوط به آنها را منتقل می‌کردند. بدیهی است که این امر به معنای اسطوره نبودن جن و پری نیست، بلکه محدودیت قالب، دست خالقان آثار را بسته بود و آنها آن‌گونه که بایسته و شایسته است نمی‌توانستند حالت اسطوره‌ای این مخلوقات را در قالب نظم بیان کنند.

جن

یکی از مخلوقات ماورایی که انسان از کم و کیف آن اطلاع چندانی ندارد و آگاهی مردم درباره آن، درست مثل حکایت «فیل اندرخانه تاریک بود» مولوی است و این بی‌اطلاعی باعث شده تا مردم با توجه به ذهنیت و تخیل خود از شکل و قیافه و مکان آن حرف‌های متفاوتی بزنند، جن است. مردم خراسان باور یکسانی در مورد جن ندارند و به‌طور تقریبی هر طایفه و قومی متناسب با شرایط زندگی و معیشت خود از او نشانه‌هایی ارائه می‌کنند. علاوه‌بر این، مردم خراسان در تنهایی خودشان جن را باور داشته و دارند و برای دور کردن یا مبارزه با آن نیز راهکارهایی ارائه می‌کنند که برخاسته از اعتقاد، باور و خیال خودشان است؛ اما به‌راستی «جن» چیست و چگونه به باور مردم جهان، از جمله خراسان، راه‌یافته است و در ادبیات منظوم شفاهی خراسان چه نماد و نمودی دارد؟

نماد و نمود جن در ادبیات منظوم شفاهی خراسان

واژه جن در ۱۶ سوره، در قالب ۳۱ آیه و در مجموع ۳۲ بار در قرآن کریم آمده است که در آنها راجع به چگونگی خلقت، شرایط زندگی، نحوه ارتباط جن با انسان و جنسیت آن اشارات صریحی شده است، ولی به دلیل رواج کمی‌نگری و واقعیت‌گرایی روزافزون جامعه، روزبه‌روز بر تعداد منکرانش افزوده می‌شود. با این حال هنوز عامه مردم خراسان آن را باور داشته و در ادبیات منظوم و منثور خود، چه کتبی و چه شفاهی، یادکردهای زیادی از آن دارند.

در سرچشمه‌های ادبی خراسان نیز گاه‌گاهی از جن به منزله «تابعه» یاد شده است. مثلاً رودکی در شعر «مادر می را بکرد باید قربان» از تابعه، جن، شیطان و پری یک‌جا یاد می‌کند.

ورچه دو صد تابعه فریشته داری نیز پری باز و هرچه جنی و شیطان

(خطیب رهبر، ۱۳۷۰:۳۷)

در دیوان ناصر خسرو هم آمده است:

بازیگریست این فلک گردان امروز کرده تابعه تلقینم

(محقق، ۱۳۶۱:۶۲)

در شعر شاعران معاصر از جمله اخوان ثالث هم از جن با عنوان تابعه یاد شده است:

گفتم سحر به تابعه، کای جادوی ظریف کز توست شعر و شاعری، ار سحر و ساحریست

(ذبیحی، ۱۳۷۷:۶۲)

به‌هرحال جن یا تابعه و همزاد و ... یکی از مخلوقات است که خراسانیان آن‌را باور داشته و برای مبارزه با آن نیز متناسب با شرایط خود راهکارهایی ارائه کرده و می‌کنند.

پری

پری از کلمه پهلوی پاریک^۱ گرفته شده و موجودی افسانه‌ای و اساطیری مثل جن است که در باور مردم خراسان گاهی مثل فرشته بال دارد و پرواز می‌کند و از نظر زیبایی، بسیار زیبا و در نقطه مقابل دیو قرار دارد. خراسانیان معمولاً زنان زیبا را به پری تشبیه می‌کنند (معین، ذیل واژه)، چراکه در باور این مردم پری مؤنثی زیبا و خیرخواه و خیررسان است و دیو مذکر و شررسان.

به‌هرحال طبق آنچه در اذهان و ادبیات شفاهی و کتبی خراسان وجود دارد، پری در آغاز خیررسان و مثبت بوده است ولی بعدها، در آیین مزدیسنا و زردشتی به‌منظور «پتیاره‌ای دروغ‌زن و فریبکار و پلید» معرفی شده است و دوباره تغییر چهره داده و اکنون در باور مردم موجودی زیبا و مثبت و خیررسان است.

پری بعد از اسلام در هاله‌ای از قداست قرار گرفت و به فرشته نزدیکی خاصی پیدا کرد، به گونه‌ای که در باور مردم خراسان، این موجود وهمی و خیالی یا ماورایی، خاصیت تبدیل شدن و تبدیل کردن دارد، یعنی می‌تواند خود و دیگران را به شکل‌های مختلف در بیاورد.

اگرچه بسیاری از مردم پریان به‌نوعی فرستادگان اهریمن هستند که با زیبایی خود انسان را فریب می‌دهند، از این‌رو در بین بسیاری از اقوام خراسان با پدیده «پری‌خوانی» مواجه می‌شویم و همان‌گونه که جن‌گیر و افسونگر وجود دارد، پری‌خوان نیز هست. چون پری هم رنگ عوض می‌کند و به‌صورت زنی زیبا، بالدار و پردار ظاهر می‌شود (علوی، ۱۳۵۷: ۱۲۲).

از نظر جایگاه ادبی، پری بیشتر در روایت‌ها و افسانه‌ها وجود دارد و در ادبیات منظوم خراسان، به دلیل شرایط قالب‌های شعری و تنگناهای سرایش شعر، نماد و نمود و گسترش چندانی ندارد. چراکه این قالب‌ها، به‌ویژه قالب رباعی و دوبیتی که در ادبیات شفاهی کاربرد بیشتری دارد ظرفیت داستان‌سازی و گره‌فکنی و شخصیت‌پردازی ندارند. از این‌رو، می‌توان گفت نمود پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسانیان بیشتر حالت نمادین دارد و شاعر با بیان یک ویژگی اسطوره‌ای جن و پری از داشته‌های مخاطب استفاده کرده است و اسطوره بودن آنها را برای مخاطب یادآوری می‌کند.

1. Parik

اما با توجه به مکتب کارکردگرایی، به دلیل فایده و اثر و نتیجه روانی که پری در زندگی مردم داشته و دارد، ماندگار شده و در جریان انتقال فرهنگی نسل به نسل و سینه به سینه منتقل شده و به امروز رسیده است. با توجه به مکتب ساخت‌گرایی، چون توانسته با دیگر عناصر فرهنگی هماهنگ شود و یک کل را تشکیل دهد، دچار طرد فرهنگی نشده و در فرهنگ عمومی خراسانیان، به‌ویژه در ادبیات شفاهی این مردم باقی مانده است.

به‌هرحال پری موجودی خیالی، مؤنث، لطیف و مردانه‌خواه است (این مردانه‌خواهی می‌تواند با دیدگاه «فمینیستی» و «قضیب محوری» موجود قابل تحلیل باشد) که وجود خارجی ندارد. شاید بتوان گفت با توجه به جنسیت، لطافت و زیبایی که در مورد پری نقل شده است این موجود مردانه‌زاد و مردانه‌زی نیز هست و به‌گونه‌ای خلق شده است که روانشناسی مردان طالب آن بوده و هست.

جن و پری در لالایی‌های مردم خراسان

لالایی‌ها، که برخی آن‌را «دوبیتی‌های مادرانه» می‌نامند، عموماً بیانگر درد فراق و شوق وصال مادران و تجلی‌گاه آرزوهای بر باد رفته و خوشی‌های به دست نیامده و به تحقق ناپیوسته آنهاست. به بیان دیگر، لالایی سخنان منظوم و مغموم مادرانی است که نگران آینده خود و فرزندان‌شان بوده و هستند و گاهی شرح گذشته دردناک و سخت آنهاست. مادرانی که به دلیل نوع معیشت مبتنی بر کشاورزی و ساختار هرم قدرت در خانواده و روابط مردسالارانه یا مرد محورانه حاکم بر آن، کمتر با همسران خود مجال گفت‌وگو و درددل داشتند. از این‌رو، مادران، در زمانی که کودک خود را می‌خوابانیدند، قفل زبان باز کرده و حرف‌های ناگفته خود را با لحنی محزون که برخاسته از درون مغموم آنهاست و کودک فهم، در گوش آنها زمزمه می‌کردند (پورافکاری، ۱۳۵۴: ۱۸۱).

محتوای لالایی‌ها عموماً نوید آمدن پدر، امید به زندگی بهتر (گلایه غیرمستقیم از شرایط کنونی) تشبیه کودکان به انواع گل‌ها، شاد شدن آنها با بچه‌ها و گاهی گلایه از پدر و روزگار است. مادران خراسانی شور و سوز خود را معمولاً در قالب کلماتی موزون و آهنگین، ولی محزون و مغموم، در گوش کودکان حرف شنوی خود، زمزمه می‌کردند.

کارکرد زمزمه‌ها

این زمزمه‌ها دو کارکرد داشت: الف) برای مادران؛ ب) برای کودکان؛

الف. برای مادران؛ مادران با بیان این سخنان تخلیه روانی شده و به ارضای عاطفی می‌رسند. گاهی دیده شده که مادران هنگام خواندن لالایی، با لحنی مغموم، گریه هم می‌کردند (لالایی‌ها در حکم سوپاپ اطمینان اجتماعی عمل می‌کنند).

ب. برای کودکان؛ چون انسان ذاتاً موسیقی، به‌ویژه موسیقی طبیعی و کلامی را دوست دارد، کودک نیز که فطرت و طینت پاکی دارد با لالایی به آرامش رسیده و به خواب می‌رود.

محتوای لالایی‌ها همان‌گونه که گفته شد بیشتر نیازهای روانی و عاطفی مادران است تا فرزندان. لالایی‌ها در دلدل مادران با کودکان از همه‌جا بی‌خبر است، از این‌رو گوش کودکی که هیچ چیز از محتوای لالایی‌ها را نمی‌فهمید و تنها از آهنگ و موسیقی آنها لذت می‌برد، گوشی شنوا و قابل اعتماد برای مادرانی است که با خواندن لالایی تخلیه روانی - عاطفی می‌شوند.

با بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای به‌عمل آمده، ۹۵۴ لالایی شنیده شده از زبان مادران خراسانی، یا دیده شده در کتاب‌های فولکلور خراسان، تجزیه و تحلیل شده‌اند که تنها در ۸ لالایی واژه پری و در ۱۳ لالایی واژه جن بکار رفته بود که در اینجا به چهار نمونه از هریک از آنها که به‌نوعی نمونه‌ای گویا و معرف از بقیه لالایی‌ها است، اشاره می‌شود:

لالا لالا پری جانم امشو^۱ پیش تو می‌مانم

برات از بابا می‌خوانم لالا لالا لالا لالا

پری جانم خوابش می‌اد شیر خوردن رو برده از یاد

نه‌نه سیر بودنش می‌خواد لالا لالا لالا لالا

(مریم سلطانی، اسفراین)

لالا لالا پری رویم امشو از بابا می‌گویم

فردا رختات^۲ می‌شویم لالا لالا لالا لالا

بابا می‌گه که کار دارم نه‌نه می‌گه خبر دارم

پتری را در بغل دارم لالا لالا لالا لالا

(نور جهان بابازاده - خواف)

۱. امشب.

۲. لباس‌هایت را.

همان‌گونه که دیده می‌شود در لالایی چهارم «ردیف» رعایت شده ولی قافیه وجود ندارد. (کار، خبر، بغل) که این‌گونه استفاده از قافیه، یکی از ویژگی‌های ادبیات شفاهی منظوم است که بیشتر به قافیه شنیداری توجه می‌شود تا دیداری.

ضمن اینکه در سه لالایی از چهار لالایی فوق، حرف از پدر است و گرفتاری‌ها و حکایت‌های مرتبط با او. در این لالایی‌ها به زیبایی، زلالی، پاکی و عزیزبودن پری در نظر مردم اشاره شده است. با توجه به محتوای این لالایی‌ها می‌توان گفت: مهم‌ترین کارکرد این لالایی‌ها تخلیه روانی و بیان درد دل مادران است، چراکه مادران از کمبود عاطفی و روابط با شوهرانشان گلایه دارند و چه بسا این کمبود را با درد دل کردن با فرزندان خود جبران می‌کردند.

لالا لالا گل باران جنا آمدن تا دالان
شده وقت تالان تالان^۱ لالا مادر لالا مادر

(مریم طبسی، طبس)

گل شیرین زبان لالا فدایت انس وجان^۳ لالا
همیشه مهربان لالا لالا لالا لالا لالا
لالا لالایی فرزانه بابات کوهه و مو در خانه^۵
او جنی و مو^۴ دیوانه لالا لالا لالا مادر

(زهرا چوپانی، اسفراین)

بابات تو کوه و کاریزه بابات چاقوش تیز تیزه
خون جن^۶ رو می‌ریزه لالا لالا لالا لالا

(نورجهان بابازاده، خواف)

در این لالایی‌ها ضمن اشاره به درد فراق و شوق وصال، به ویژگی‌های ترسناک بودن، حلول جن در انسان و... اشاره شده است. ضمن اینکه لالایی آخر به مکان جن (کوه و کاریز)

۱ هر کی هر کی.

۲ جن‌ها.

۳ جن.

۴ من.

۵ بابایت در کوه است و من در خانام.

۶ جن‌ها را.

❖ سال شانزدهم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۴

به قدرت پدر و اینکه هر پدر قدرتمندترین فرد برای فرزندان است و وسایل دور کردن جن، از جمله: چاقو اشاره صریح دارد.

مردم خراسان جن را عامل ترس و بیماری می‌دانند و گاه برای اینکه در آرامش به سر ببرند آنرا انکار کرده یا حتی اسمش را بر زبان نمی‌آورند. از این رو، به جن «از ما بهتران» یا «اسمش را نبر» می‌گویند و برای نابودی آن به وسایلی مثل کلام خداوند، گفتن بسم‌الله و ابزار فلزی از قبیل چاقو متوسل می‌شوند.

جن ویری در دو بیتی‌های عامیانه مردم خراسان

یکی از قالب‌های ادبی منظوم که عامه مردم اندوه و شادی، آمال و آرزوهای خود را از طریق آن بیان می‌کنند، دوبیتی است. دوبیتی تجلی‌گاه عاطفه و خیال انسان‌هایی است که دردی دارند و دیده‌گرایی ... دو بیتی‌های عامیانه، طفلان سرگردان تخیل و اندوه مردمی هستند که معیشت مبتنی بر کار یدی، به‌خصوص کشاورزی و دامپروری و فراق ناشی از کوچ و بیلاق و قشلاق، آتشی بدون دود در جانشان روشن کرده است. اصولاً دوبیتی که در خراسان، به‌ویژه خراسان جنوبی و مرکزی به آن «فراقی» می‌گویند، سوز هجران و درد فراق دارد، سرشار از غم و اندوه است و گاه به‌همین دلیل «غمانه» نیز گفته می‌شود.

این قالب ادبی منظوم عبارت است از: شعری کوتاه و عاطفی که حداکثر در چهار مصراع یا دو بیت و در وزن خوشایند «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» سروده می‌شود. هر چند ظرفیت این قالب محدود است و سراینده نمی‌تواند در این چهار مصراع تمام تخیل و عاطفه خود را بیاورد و توان شخصیت‌پردازی و جدال و گره‌فکنی ندارد و نمی‌تواند مناظره تنظیم کند ولی ذهن خلاق و خیال‌انگیز عامه از آن به‌درستی و در حداکثر ظرفیت استفاده کرده و می‌کند.

به‌هرحال با توجه به محدودیت وزنی و قالبی دوبیتی، جن و پری آن‌گونه که در قصه‌ها و روایت‌ها نقل شده‌اند در دوبیتی نماد و نمود ندارند و معمولاً در معنای کنایی و استعاره‌ای کاربرد دارند و به‌صورت نماد بکار می‌روند و بیشتر بار معنایی در مورد جن و پری بر دوش اشتراکات ذهنی مخاطب و نقل‌کننده یا سراینده دوبیتی گذاشته شده است.

برخی دوبیتی‌ها را التیام‌بخش و تخلیه‌کننده آلام روحی و روانی عامه مردم می‌دانند و چون بار محتوایی عاطفی دارند اثرگذارتر هستند؛ به‌خصوص هنگامی که با دوتار شمال یا جنوب خراسان همراه باشند و خواننده پرسوز و گداز و خوش‌صدایی نیز آنرا خوانده باشد.

با بررسی‌های به‌عمل آمده در ۲۰۰۷ دو بیت‌ی عامیانه، پری در ۱۷ دوبیتی و جن در ۱۵ دوبیتی نمود داشته است که به سه مورد از هر کدام از آنها اشاره می‌شود. البته، سعی شده است نمونه‌هایی که آورده می‌شوند تا حد زیادی نمونه‌ای معرف و گویا از بقیه دوبیتی‌ها باشند.

پری زاد و پری زاد و پری زاد که کاشکی مادرم مور^۱ نمی‌زاد

که مادر زاد و شیر محنتم داد بزرگم کرد و دست دشمنم داد

(ناصرح، ۱۳۷۳: ۸۲)

پری تو، دیو مو^۲، آدم کجایه همو^۴ آدم که مخلوق خدایه

همه شو^۳ تا سحر بیدار مانم مگر یک شو پری پیشم بیابه

(احمد تبریزی، مشهد)

پری جان و پری جان و پری جان شبی آمد پری سویم شتابان

نشست و زانویش را بالشم کرد خدا این شبم را صب^۵ مگردان

(مریم سطنی، اسفراین)

همان‌گونه که در دوبیتی‌های فوق مشهود است، پری ویژگی‌هایی از قبیل زیبایی، پاکی، لطافت و زلالی دارد و در نقطه مقابل دیو، که مظهر زشتی می‌باشد، ظاهر شده است. ضمن اینکه جنس مذکر گاه خود را درمقابل پری زشت و کریه چون دیو می‌داند و یکی از آرزوهایش را که همخوابگی با پری است (دیدگاه مرد محوری در داستان‌های جن و پری) آشکارا به زبان می‌آورد. از محتوای این دو بیت‌ی‌ها بر می‌آید که خالقان آنها مرد بوده‌اند، چراکه در پی کام دهی پری به مردان سروده شده‌اند.

هوا تاریک و جن زاره بیابون پر از خار، پراز خار بیابون

هوا تاریک و جن و خار درپیش خطر داره، خطر داره، بیابون

(نورجهان بابازاده، خواف)

۱. من را.

۲. من.

۳. شب.

۴. همان.

۵. صبح.

شدم جنی و دیوانه زعشقت نشستم گوشه خانه زعشقت
خیال دیدن رویت پری جان میون سینه می ماند زعشقت
توره آدم، موره جن آفریدند مگر از مو به جز خوبی چه دیدند؟
دو تا کفتر بدیدم کنج کاریز خدا گفتم، کبوترها پریدند
(مریم زارعی، نیشابور)

در این دو بیتی‌ها به حلول جن در انسان و آثار مخرب آن، مکان جن‌ها و خطراتی که از جن به انسان می‌رسد، خاصیت تبدیل شدن جن به کبوتر، به جن بیابانی (غول) به جن کاریز، به جن زدگی و دیوانه شدن بر اثر جن‌زدگی اشارات صریحی شده است. به عبارت دیگر این دو بیتی‌ها تجلی‌گاه باورها و اعتقادات مردم خراسان در مورد جن هستند.

جن و پری در رباعی‌های عامیانه

عادت ذهنی مردم به وزن روان و محتوای عاطفی دو بیتی و هم‌سازی آن با سایر عناصر فرهنگی موجود در فرهنگ عامه، باعث شده است تا عامه مردم از رباعی استقبال کمتری داشته باشند، چراکه بر اساس یک اصل نانوشته عرفی و ادبی، معمولاً محتوای رباعی مباحث و مسائل اخلاقی، تربیتی، اعتقادی و ... بوده و وزن آن درمقایسه با دوبیتی سنگین‌تر و بر وزن «لا حول و لا قوه الا بالله» است که این دو ویژگی با ذهن و زندگی عامه مردم خراسان هم‌خوانی کمتری دارد. از این رو، خیلی مورد استقبال آنها قرار نگرفته است.

محمد مهدی ناصح مجموعه‌ای از رباعی‌های بیرجندی را با عنوان «شعر غم» مشتمل بر ۴۲۵ رباعی به چاپ رسانده که تنها در یک رباعی نام و یادی از پری شده بود و پس از بررسی‌های میدانی به عمل آمده، یک رباعی نیز روی سپر عقب یک کامیون با نمره مشهد شناسایی شده که در زیر آورده می‌شود. در سایر رباعی‌هایی که از مردم خراسان شنیده شده و نقد و بررسی شده است در مجموع ۶۷۵ رباعی بوده‌اند که تنها در دو رباعی پری و در یک رباعی از جن یاد شده بود. به عبارت دیگر، فراوانی جن و پری در رباعی‌ها بسیار کم است.

چشمم که به چشم آن پری چشم افتاد از چشم پری چشم به چشمم افتاد
گفتم که به چشم خود دوچشمش بینم از هر طرف چشم به چشمم افتاد
(ناصر، ۱۳۷۹: ۶۶)

تا دیدن تو بی خبری‌ها دارد هر بی خبری، خون جگری‌ها دارد
ما بی خبر و خون جگر و ویلانیم دیدار پری در بدری‌ها دارد
(نوشته شده بر روی سپر عقب کامیون)

تو مثل پری نشست‌ای بر سر راه من از غم تو گریه کنم گاه به گاه
تو مثل پری و من چون جن، کمتر گو لا حول و لا قوه الا بالله
(علی اکبر براتی، نیشابور)

در این رباعی‌ها زیبایی و مطلوب بودن پری نزد مردم خراسان، به‌ویژه مردان گوشزد شده است. ضمن این‌که اشاره شده است که دیدار پری به دلیل دور از دسترس بودن آن، مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. همچنین عاشق، خود را در مقام پایین‌تری از معشوق می‌داند و او را پری و خود را جن خطاب می‌کند و از مخاطب می‌خواهد نام خدا را بر زبان نیاورد، چراکه در باور این مردم بر زبان آوردن نام خدا باعث دور شدن جن و پری می‌شود. در این باره ضرب‌المثلی نیز وجود دارد: «فلانی رو ولش کن، مثل جن از بسم‌الله می‌ترسد».

جن و پری در چیستان‌های منظوم

چیستان، نوعی نبرد اطلاعاتی عامه مردم است که به حیطة و حوزه اندیشه خواص نیز سرایت کرده است. در چیستان، سوالی که پاسخ‌جو مطرح می‌کند، دیگران را به ورزش و چالش ذهنی وامی‌دارد. چیستان‌ها که گاه به‌صورت منظوم مطرح می‌شوند، یکی از تجلی‌گاه‌های خواست‌ها و آرزوها و بیانگر میزان اطلاعات و دانش عامه مردم است. با تحقیقات صورت گرفته در ۱۸۶ چیستان منظوم، تنها در ۱۱ مورد به پری اشاره صریح شده بود، ولی در ارتباط با جن هیچ چیستان منظوم یافت نشد. در زیر به دو مورد چیستان منظوم در ارتباط با پری اشاره می‌شود:

چل تا پری، تو چل‌دری هر پری، تو پرده‌ای

(علی اصغر ششتمدی، سبزوار)

عجایب صنعتی نادیده، دیدم پری‌رویان به بستان تازه دیدم
به خود گفتم گل از باغش بچینم به یک کوزه دو صد دردانه دیدم

(مریم طبسی، طبس)

❖ سال شانزدهم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۴

❖ جواب هر دو چیستان «انار» است که یکی از محصولات عمده خراسان، به خصوص خراسان رضوی و جنوبی محسوب می‌شود و از این رو درباره آن اشعار و ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های زیادی بین مردم این نواحی رایج است. در این دو چیستان زیبایی و پاکی پنهان دانه‌های انار بین پرده‌هایی لطیف به پاکی، پنهانی و نامریی بودن پری تشبیه شده است.

جن و پری در ضرب‌المثل‌های منظوم

«از جمله نشانه‌های بلوغ فکری، ظرافت تفکر و اندیشه و سرانجام دانایی هر ملت، مثل‌هایی است که از عمق جان انسان‌ها مایه گرفته و راه خود را تا عرصه ادبیات، تا میان کوچه و بازار گشوده است. ضرب‌المثل‌ها از جمله زیباترین و ماندگارترین آثار تاریخی به شمار می‌روند» (معین‌الدینی، ۱۳۸۱: ۸).

«ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاه منظوم و منثوری است که گاه پند و اندرز در بردارد و اگر بر سر زبان‌ها افتد، تمثیل باشد. از دیدگاه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روحیات و افکار هر قوم می‌تواند در امثال و پند و اندرز آنها تجلی نماید، بنابراین با شناخت آنها ذوق و اصالت اجتماعی آن ملت را می‌توان کشف کرد» (آذری یزدی، ۱۳۵۰: ۵).

با پژوهش‌هایی که در ۱۲ هزار مثل فارسی، امثال و حکم، پندها و داستان‌ها و سایر کتب مرتبط با ضرب‌المثل صورت گرفت و مصاحبه‌هایی که با مردم انجام شد، تنها شش ضرب‌المثل در ارتباط با پری و ۱۰ ضرب‌المثل در ارتباط با جن وجود داشت که در زیر به دو مورد از هر کدام اشاره می‌شود:

باد صرصری نمی‌شی کاکل زری نمی‌شی

پیر و عجوزه می‌شی ولی پری نمی‌شی

دختر خانم زرنگه مثل پری قشنگه

افسوس که رنگ به رنگه

جن شده آقا ملا (داماد) می‌ترسه از بسم‌الله

مثل فلانی نباش جن باش و جانی نباش

به‌هرحال امثال و حکم هر قوم، جزئی از فرهنگ آن قوم محسوب می‌شود هرچند نمی‌توان برای آنها مرز جغرافیایی ویژه‌ای در نظر گرفت، ولی با اندکی تأمل می‌توان از این رهگذر به باورهای مردم منطقه‌ای خاص دست یافت (بقایی، ۱۳۷۰:۱).

جن و پری در سایر قالب‌های منظوم

گاهی شاعرانی که برخاسته از متن جامعه یا عامه مردم بوده و با آنها زندگی می‌کنند و دارای ذهن و زبانی عامیانه هستند نیز آثاری را به وجود می‌آورند که در حد خود زیبا و تأثیرگذار است. در این گونه اشعار که حدود ۷۶ مورد آنها شناسایی و بررسی شد، پری بیشتر از جن نمود دارد. از جمله در هفت مورد آن به پری اشاره صریح شده است. از جمله در شعر عامیانه و مشهور پریا:

یکی بود یکی نبود

زیر گنبد کبود

لخت و عور، تنگ غروب، سه پری نشسته بود

زار و زار گریه می‌کردن پریا

مته ابرای بهار گریه میکردن پریا... (اکرامی‌فر، ۱۳۸۲: ۵۲)

ولی انگار به دلیل ترسناک بودن جن در باور مردم و تابو بودن به‌کار بردن نام جن، شاعران از بکار بردن واژه «جن» ابا داشته و از این‌رو هیچ شعر عامیانه‌ای یافت نشد که در آن به جن اشاره صریح شده باشد.

«از آن جا که این اشعار که در قالب مثنوی، غزل، قصیده، قطعه، مستزاد و... سروده و به‌صورت شفاهی نقل می‌شوند، مثل سایر انواع ادبیات شفاهی، روایت‌های متفاوتی پیدا می‌کنند از جمله ۱۲ روایت از شعر پریا بین عامه مردم وجود دارد که شش مورد آن به ترانه‌های بازی کودکان مربوط می‌شود» (نوری‌زاد، ۱۳۸۰: ۶۱).

نمونه‌ای از شعر این گروه از شاعران:

زمانه بر سر جنگه خدایا	کمک از غیر تو ننگه خدایا
زمین سرد و زمان سرد و جهان سرد	هوا سرد و نگاه آسمان سرد
اگر چه مادر دریا عقیمه	توکل کن، خدای ما کریمه
از این دریا که با سردی دچاره	همین فردا، پری سر در میاره

پری زیباترین خلق جهانیه پری ما را به کام دل رسانه

(علی اکبر براتی، نیشابور)

در این مثنوی عامیانه به ویژگی‌هایی چون زیبایی و کام‌دهی پری اشاره شده است، ضمن این که نیم‌نگاهی نیز به اوضاع اجتماعی زمان خود داشته است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل محتوا در دوبیتی‌ها، رباعی‌ها، لالایی‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌های منظوم و... می‌توان گفت:

۱. واژه پری درمقایسه با جن در انواع قالب‌های منظوم ادبیات شفاهی خراسان، از قبیل رباعی و دوبیتی فراوانی بیشتر دارد که این امر شاید از «تابو» بودن به زبان آوردن واژه جن نزد خراسانیان نشئت گرفته باشد؛ چراکه ادبیات شفاهی مستلزم بر زبان راندن واژگان و کلمات است.
۲. نمود جن و پری در ابیات منظوم عامیانه درمقایسه با ادبیات منشور عامیانه کمتر است. احتمالاً مهم‌ترین دلیل آن، قابلیت بالای افسانه یا داستان و کل ادبیات منشور برای جولان ذهن و شخصیت‌پردازی است که آفرینندگان و خالقان افسانه‌ها درمقایسه با ادبیات منظوم انجام می‌دهند. از این‌رو، واژگان در ادبیات شفاهی منظوم بیشتر حالت نمادین دارند و به‌صورت استعاره یا کنایه بکار برده شده‌اند.
۳. برخی بر این باورند علت ایجاد مخلوقات اسطوره‌ای و ماورایی از جمله جن و پری، پاسخ به ترس، نیاز و حیرت تاریخی بشر در مواجهه با طبیعت و خودش بوده است.
۴. بسیاری از این مخلوقات اسطوره‌ای و ماورایی مشابه‌هایی در فرهنگ سایر اقوام و ملل دارند که با توجه به مکتب تکامل‌گرایی به‌وجود آمده، با عنایت به مکتب اشاعه در سراسر جهان گسترش یافته و بر اساس مکتب کارکردگرایی ماندگار شده و با توجه به مکتب ساختارگرایی در ارتباط با انسجام سایر عنصرهای فرهنگی قرار گرفته و ماندگار شده‌اند.
۵. این مخلوقات و شیوه خلق آنها با نوع و سطح زندگی و معیشت مردم ارتباط تنگاتنگی دارند.
۶. جن و پری با باورهای دینی و اعتقادی مردم گره‌خوردگی خاصی پیدا کرده‌اند و این امر باعث ماندگاری و گسترش بیشتر آنها شده است.

اسطوره جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسان ❖ ۶۳

❖ سال شانزدهم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۴

۷. برخی از این موجودات از جمله پری آفرینشی مردانه‌خواه دارند و به گونه‌ای آفریده شده و نقل می‌گردند که رضایت مردان را برآورده سازند. می‌توان گفت: پری موجودی مردانه‌زاد و مردانه‌زی است، بر عکس جن که باورهای مرتبط با آن بیشتر بین زنان، به‌خصوص زنان سالمند و کم‌سواد رایج است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف. منابع مکتوب

- اکرامی فر، محمود (۱۳۸۲). *از ما بهترین*. مشهد: نشر ایوار.
- آذر یزدی، مهدی (۱۳۵۰). *قصه‌ها و مثل‌ها*. تهران: بی‌جا.
- بقایی، ناصر (۱۳۷۰). *امثال فارسی رایج در گویش کرمان*. کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی عوام*. اصفهان: نشر ربانی.
- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۷۰). *دیوان رودکی*. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.
- ذبیحی، مرتضی (۱۳۷۷). *همزاد در ادبیات فارسی*. قم: انتشارات ذره‌بین.
- رحمانی، روشن (۱۳۸۰). *تاریخ گردآوری نشر و پژوهش افسانه‌های مردم فارسی زبان*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- روانی‌پور، منیرو (۱۳۶۹). *باورها و افسانه‌های جنوب*. تهران: نشر نجوا.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴). *زمینه فرهنگ شناسی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۵۰). «پری: تحقیقی درحاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۹۷-۱۰۰، ص ۱-۳۲.
- علوی، سید عبدالرضا (۱۳۵۷). *فرهنگ مثنوی*. تهران: انتشارات ما.
- لیونی پیکارد، بارابار (بی‌تا). *حماسه‌ها و افسانه‌های مردم ایران*، ترجمه: رویا سعیدی (۱۳۸۱). تهران: انتشارات کیمیا.
- محقق، مهدی (۱۳۶۱). *تسرح سی قصیده ناصر خسرو*. تهران: انتشارات طوس.
- معین‌الدینی، مریم (۱۳۸۱). *تحلیل مضامین اجتماعی ضرب‌المثل‌های رایج در کرمان*. کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مید، مارگارت (بی‌تا). *آدمیان و سرزمین‌ها*، ترجمه: علی اصغر بهرامی (۱۳۸۲). تهران: نشر نی.
- ناصر، محمدمهدی (۱۳۷۳). *تسعر نگار: دو بیتی‌های عامیانه پیرچندی*. مشهد: انتشارات محقق.
- ناصر، محمدمهدی (۱۳۷۹). *تسعر نم: رباعی‌های عامیانه پیرچندی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نوری‌زاد، محمدحسین (۱۳۸۰). *چهار افسانه شاملو*. تهران: انتشارات دنیای نو.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر و افسانه‌های داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات سروش.

ب. منابع شفاهی

- بابازاده، نورجهان: ۵۷ ساله، بی‌سواد، خانه‌دار، متأهل، خواف.
- براتی، علی‌اکبر: ۷۵ ساله، سواد قرآنی، کشاورز، متأهل، نیشابور.

اسطوره جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسان ❖ ۶۵

تبریزی، احمد: ۴۷ ساله، ششم ابتدایی، راننده، متأهل، مشهد.
چوپانی، زهرا: ۷۶ ساله، بی‌سواد، خانه‌دار، متأهل، اسفراین.
زارعی، مریم: ۴۵ ساله، سوم راهنمایی، خانه‌دار، متأهل، نیشابور.
سلطانی، مریم: ۵۰ ساله، بی‌سواد، خانه‌دار، متأهل، اسفراین.
ششتمدی، علی‌اصغر: ۴۲ ساله، سوم دبیرستان، مغازه‌دار، متأهل، سبزوار.
طیسی، مریم: ۶۲ ساله، بی‌سواد، خانه‌دار، متأهل، طبس.

